

«منبع معتبر» و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی: نگاهی به جایگاه «منبع مکتوب» در حدیث پژوهی قدما

حمید باقری^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۹/۲۶ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۴/۱)

چکیده

از جمله ویژگی‌های بارز حدیث شیعه، نگارش آن در همان عصر صدور و حضور ائمه^(ع) است. در این بازه زمانی آثار فراوان حدیثی با عنوان‌هایی چون «کتاب»، «اصل»، «جزء» و «نسخه» فراهم گردید که جایگاهی خاص در نظام حدیث پژوهی متقدمان امامی داشتند. ایشان در جریان احراز صدور احادیث، با تکیه بر نظام «قراین» از نشانه‌های متعددی استفاده کرده‌اند که بخش قابل توجهی از آن‌ها را می‌توان تحت عنوان «منبع شناسی» مشاهده کرد. آنان گاه به دلایل و شواهد مختلف، نوشته‌ای حدیثی را قابل اعتماد می‌پنداشته و در نتیجه احادیث آن را نیز معتبر قلمداد می‌کردند. ظاهراً ویژگی‌های خود این منابع - فارغ از مؤلفان آن‌ها - در اعتبارشان نقشی حائز اهمیت داشته است. این نوشتار می‌کوشد تا ضمن اشاره به توجه قدما به نشانه‌های اعتبار منبع، با مطالعه تحلیلی و نقد تاریخی گزارش‌های باقی مانده از متقدمان امامی و با تأکید بر خصوصیات خود منابع حدیثی، به مهم‌ترین نشانه‌های اعتبار منبع مکتوب نزد ایشان پرداخته و شواهد هر یک را با نمونه‌های متعددی تبیین نماید. عرضه کتاب بر امام و تأیید آن، مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی، شهرت کتاب و موافقت با کتب معیار، از جمله ویژگی‌هایی است که سبب اعتبار منابع حدیثی، نزد محدثان متقدم امامی بوده است.

کلید واژه‌ها: اعتبار منبع، تحلیل فهرستی، محدثان متقدم امامی، منابع حدیثی، نقد حدیث.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران: bagheri.h@ut.ac.ir

۱. طرح مسأله

عالمان متقدم امامی در فرآیند ارزیابی صدور احادیث با تکیه بر نظام «قراین» از نشانه‌های متعددی استفاده کرده‌اند که این نشانه‌ها را می‌توانیم در سه محور منابع احادیث، راویان و متون احادیث مشاهده کنیم. آنها چنانچه در این ارزیابی‌های سه‌گانه، به صدور حدیثی از معصوم اطمینان می‌یافتند از آن حدیث با عنوان «صحیح» یاد می‌کردند، و در مقابل احادیثی را که در صدور آن از معصوم تردید داشتند «ضعیف» قلمداد می‌کردند. توجه به منبع مکتوب حدیث و ارزشگذاری آن یکی از محورهای قدما در فرآیند ارزیابی صدور حدیث و اعتبارسنجی آن بوده است. سبب این اهمیت و نگاه ویژه به کتاب در ارزیابی حدیث را باید در فرهنگ نوشتاری حدیث شیعه جستجو کرد. دانسته است که تألیف کتاب و ترویج کتابت همواره مورد تأکید امامان شیعه بوده است [برای نمونه نک: ۴۷، ج ۱، ص ۵۲]. بدین ترتیب شیعیان نیز به کتابت و تدوین حدیث توجه نشان دادند. به همین ترتیب در دوره‌های بعد نیز کتابت و تدوین حدیث در میان راویان شیعی رایج بود و آثاری با عناوینی چون اصل، نسخه، جزء و کتاب تدوین شد.^۱ شیعه بنا بر مبانی اعتقادی خود برای سنت اهل بیت^(ع) - به عنوان مفسران اصیل وحی و سنت نبوی - جایگاهی همانند سنت نبوی قائل است و از این‌رو تاریخی افزون بر دو قرن برای حدیث در اختیار دارد و از این‌رو نگارش حدیث و تدوین کتاب‌های حدیثی همزمان با صدور روایات از امامان شیعه از ویژگی‌های تاریخ حدیث شیعه است. بنا بر یک گزارش، در عصر امام کاظم^(ع) نگارش احادیث در حضور معصوم^(ع)، شیوه‌ای متداول و رایج میان شاگردان آن حضرت بوده است.^۲ این میراث گرانبه‌ای مکتوب در اختیار جامعه شیعی عصر صدور نیز بوده است [نک: ۵۹، ص ۳۹-۴۰] و در مواردی از ائمه^(ع) درباره اعتبار روایات آنها پرسش می‌شده است. مراجعه محمد بن حسن بن ابی خالد شینولة به امام جواد^(ع) و پرسش درباره اعتبار کتاب‌های رسیده از عصر صادقین^(ع) نمونه بارز این مطلب است. وی می‌گوید: «به امام جواد^(ع) گفتم: "فدایت

۱. برای مفهوم این اصطلاحات به ترتیب نک: ۷، ص ۲۳-۲۴، ۱۸۳، ۱۵، ۱۲۵-۱۲۶.

۲. برای گزارشی در این باره نک: ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰. شیخ بهایی و میرداماد نگارش حدیث در زمان صدور را روش مرسوم اصحاب اصول و شاگردان ائمه^(ع) دانسته‌اند [نک: ۴، ص ۲۷۴؛ ۵۷، ص ۱۶۰]. بدین سبب، شیعیان نقل حدیث از منبعی مکتوب را معتبر می‌دانستند و حتی باور به ترجیح آن بر نقل شفاهی حدیث داشتند.

شوم مشایخ ما از امام باقر و امام صادق^(ع) روایت‌هایی دارند ولی چون در تقیّه‌ای شدید به سر می‌بردند، کتاب‌های روایی خود را پنهان نگاه داشتند لذا از آن‌ها نقلی نشده است. وقتی از دنیا رفتند، آن کتاب‌ها به ما رسیده است، فرمود: «از آن کتاب‌ها حدیث نقل کنید زیرا آن‌ها حق و درست‌اند.» [۴۷، ج ۱، ص ۵۳].

به روشنی از روایت فوق برمی‌آید که توجه به کتاب حدیثی برای ارزشگذاری روایات از دوران حضور امامان شیعه مورد توجه عالمان امامیه بوده است. به دیگر سخن، از آنجا که نقل حدیث در شیعه امامی بر محور کتاب/نوشتار حدیثی بوده است،^۱ ارزیابی آن نیز غالباً مبتنی بر «کتاب/نوشتار» بوده است. ظاهراً محمدتقی مجلسی نیز در آنجا که شیوه رایج متقدمان در تصحیح احادیث را بر نقد کتاب/منبع مکتوب استوار دانسته [۵۰، ج ۱۴، ص ۲۳۹] متوجه این سیر منطقی و واقعیت مبتنی بر تاریخ حدیث شیعه بوده است. آنچه شیخ بهایی (م. ۱۰۳۱ق) و دیگران درباره قراین اطمینان‌بخش در صدور حدیث نزد قدا یاد می‌کنند نیز توجه به همین نقد منبع محور حدیث نزد ایشان است. أخذ حدیث از کتاب‌های معتبر و مورد اعتماد گذشتگان، از جمله این نشانه‌هاست که شیخ بهائی در *مشرق الشمسین* بدان اشاره کرده است [۴، ص ۲۶۹. نیز نک: ۱۰، ج ۳۰، ص ۲۴۳-۲۴۷؛ ۴۴، ج ۱، ص ۲۲-۲۶؛ ۵۸، ص ۱۶۱]. هر چند این آثار، نقش منبع مکتوب در حدیث پژوهی متقدمان را مورد توجه داده‌اند اما کمتر به معیارها، مبانی و ذکر مصادیق پرداخته‌اند.

با نگاهی دقیق به قراین موجود می‌توان گفت که قدا به منبع مکتوب حدیث شامل اصل، جزء و کتاب/کتاب‌ها، توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در ارزیابی حدیث در کنار دیگر محورهای ارزیابی فرآیند صدور حدیث، به چگونگی منبع و مأخذ آن هم توجه خاص داشته‌اند. با توجه به همین قراین و شواهد کتاب محور است که از عالمان گذشته همچون ابوالعبّاس نجاشی (م. ۴۵۰ق) در *زمره باورمندان به نظریه «حجیت کتاب»* یاد شده است [۴۲، ص ۱۱۱].

۱. بدون تردید کتاب‌های کهن حدیثی امامی از جمله کتاب‌های چهارگانه حدیثی، از پالایش و تدوین منابع مکتوب حدیثی پیش از خود فراهم آمده‌اند. ظاهراً آنچه شیخ صدوق در *مشيخة من لا يحضره الفقيه* و شیخ طوسی در *مشيخة تهذيب الأحكام* آورده، طرق او به همان مکتوبات اولیه حدیثی بوده است. [نک: ۱۰، ج ۳۰، ص ۲۲]

همه تلاش متقدمان امامی در فرآیند نقد منبعی^۱، دستیابی به میراث مکتوب معتبر و قابل اعتماد حدیثی بوده است.^۲ بر پایه این شیوه، نقد و بررسی متن حدیث براساس اعتبار و رد کتاب و نسخه‌ها/تحریرهای آن و نه بر پایه روایان آن انجام می‌گرفت. در این روش پاسخ پرسش‌هایی چند پر اهمیت بوده است: کدام راوی صاحب کتاب است؟ کتاب او در چه پایه‌ای از اعتبار است؟ از این کتاب چند نسخه/تحریر در دست است؟ طریق هر یک کدام است؟ و کدام طریق استوارتر است؟ [۴۱، ص ۵۷]. نمونه‌ای از توجه قدما به اعتبارسنجی منابعشان در این سخن شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه بازتاب یافته است: «همه روایاتی که در این کتاب آورده‌ام از کتب مشهوری که تکیه‌گاه و محلّ مراجعه هستند استخراج شده است.» [۳۰، ج ۱، ص ۳-۴].

مسئله حائز اهمیت در اینجا کشف قرآینی است که عالمان متقدم امامی در اعتماد یا عدم اعتماد به کتاب‌های حدیثی نخستین، بر آن‌ها تکیه داشته‌اند. ظاهراً ملاک‌های قدما در این جریان را می‌توان در سه محور اصلی مطرح کرد: ۱. متن و منبع مکتوب؛ ۲. مؤلف کتاب؛ ۳. چگونگی انتقال کتاب. در ادامه، نگاهی تفصیلی به نشانه‌های اعتبار منبع مکتوب در نظام ارزشگذاری احادیث در سنت حدیث‌پژوهی قدما خواهیم داشت.

۲. مقدمه

بررسی آثار برجای مانده نشان از آن دارد که نتایج توجه قدما به اعتبار کتاب‌های اولیه حدیثی در اوصافی چون «مُعْتَمَد» [۳۶، ص ۱۵۸، ۲۵۶، ۲۸۵، ۳۳۵]، «مُعْتَمَدٌ عَلَیْهِ» [۳۶، ص ۳۹]، «مَعْمُولٌ عَلَیْهِ/عَلَيْهَا» [۳۶، ص ۳۰۵؛ ۵۹، ص ۵۸] در فهرست‌های کهن، بازتاب یافته است. این تعابیر که درباره برخی کتاب‌های حدیثی گزارش شده است، نشان از آن دارند که یکی از ملاک‌های ارزیابی متقدمان امامی، اعتماد و عمل به کتاب‌ها بوده است.

۱. به دلیل توجه بسیار به نگرش‌های فهرستی و ارزیابی‌های کتاب‌شناسانه در این روش، از آن به «تحلیل کتاب‌شناسی» [نک: ۴۲، ص ۳۳-۵۰] یا «تحلیل فهرستی» [نک: همان، ص ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۴] نیز یاد شده است.

۲. توجه به منابع معتبر حدیثی در میان برخی عالمان متأخر با گرایش‌های اخباری همچون شیخ حر عاملی و علامه مجلسی - البته با تفاوت در ملاک‌های منبع معتبر - نیز دیده می‌شود. نک: ۱۰، ج ۳۰، ص ۱۵۱، ۱۹۱، ۲۴۹؛ ۴۸، ج ۱، ص ۲۶-۴۶.

بنابر یک نظر، صرف وجود حدیث در یکی از اصول حدیثی معتتمد، از موجبات حکم به صحت آن نزد متقدمان بوده است [۳۷، ج ۲، ص ۱۲۷؛ نیز ۱۸، ص ۴۸۵]. این سخن، نتیجه این باور است که آثار حدیثی معرفی شده با عنوان «اصل» در منابع فهرستی و رجالی متقدم، جایگاهی خاص در فرآیند تصحیح و احراز صدور احادیث داشته است [۴۲، ص ۴۸]. این اصول در عصر خود شهرت داشته‌اند [۴، ص ۲۶۹] و به گفته محمدتقی مجلسی، صحت اصول چهارصدگانه حدیثی/اصول/اربعمائه و عمل به آن‌ها مورد اتفاق همگان بوده است [۵۰، ج ۱۴، ص ۴۰].^۱

گاه به دلایل و شواهد مختلف، نوشته‌ای حدیثی، معتبر و قابل اعتماد تلقی و در نتیجه احادیث موجود در آن‌ها نیز معتبر قلمداد می‌شد. کتاب‌های إسحاق بن عمار ساباطی [۳۶، ص ۳۹]،^۲ حفص بن غیاث [۳۶، ص ۱۵۸]،^۳ طلحة بن زید نهدی [۳۶، ص ۲۵۶]،^۴ علی بن حاتم قزوینی [۳۶، ص ۲۸۵]،^۵ و عمار بن موسی ساباطی [۳۶، ص ۳۳۵] قابل اعتماد معرفی شده‌اند.

گزارش نجاشی و شیخ طوسی درباره کتاب عبیدالله بن علی حلبی [۳۶، ص ۳۰۵؛ ۵۸، ص ۲۳۱]^۶ و کتاب‌های سی‌گانه حسن و حسین، پسران سعید بن حماد أهوازی [۵۹، ص ۵۸]^۷ نشان می‌دهد که قدما به احادیث این کتاب‌ها عمل می‌کرده‌اند.

۱. درباره معنا و نیز ارزش اعتباری/اصول/اربعمائه اختلاف نظر است. در این باره نک: ۱۱، ص ۷۷-۹۹؛ ۱۲، ص ۹۳-۱۱۸؛ ۴۵، ص ۳۰۴-۳۲۸؛ 66, pp128-166.

۲. نام او در طریق ۹۸۹ حدیث در کتب اربعه آمده است. نک: ۱۳، ج ۳، ص ۵۴.

۳. نام او در طریق ۸۷ حدیث در کتب اربعه آمده است. نک: ۱۳، ج ۶، ص ۱۵۲.

۴. نام او در طریق ۱۵۶ حدیث در کتب اربعه آمده است. نک: ۱۳، ج ۹، ص ۱۶۴.

۵. نام او در طریق ۵۹ حدیث در کتب اربعه آمده است. نک: ۱۳، ج ۱۱، ص ۲۹۸.

۶. نام او به شکل‌های مختلف عمار بن موسی، عمار الساباطی و عمار بن موسی الساباطی، به ترتیب در ۱۲۸، ۲۴۰ و ۷۵ (در مجموع ۴۴۳) طریق در کتب اربعه آمده است. نک: ۱۳، ج ۱۲، ص ۲۶۰، ۲۶۳-۲۶۴، ۲۶۴، ۲۷۲.

۷. به شکل‌های مختلفی از این کتاب در طرق احادیث یاد شده است: عبید الله بن علی الحلبي، عبیدالله الحلبي و الحلبي که به ترتیب در ۶۱، ۵۲، ۱۵۷۰ (در مجموع ۱۶۸۳) طریق در کتب اربعه آمده است. نک: ۱۳، ج ۱۱، ص ۸۲، ۸۸، ج ۲۳، ص ۸۲.

۸. ظاهراً احادیثی که از طریق حسن بن سعید و حسین بن سعید بن حماد - به ترتیب ۷۰ و ۵۲۶ (در مجموع ۵۹۶) حدیث - در کتب اربعه آمده، از این کتاب‌های سی‌گانه روایت شده است. نک: ۱۳، ج ۴، ص ۳۴۷ و ج ۵، ص ۲۴۵.

ظاهراً صحت محتوای کتاب‌های «المبتدأ و المغازی و الوفاة و الردة» أبان بن عثمان أحمَر بجلی [۵۹، ص ۱۳]، حسن بن محمد نوفلی [۵۸، ص ۳۷]، نوادر حسن بن راشد طفاوی [۵۹، ص ۳۸]، الآداب و تفسیر القرآن احمد بن محمد سبّعی همدانی [۵۸، ص ۹۴-۹۵]، الآراء والدیانات حسن بن موسی نوویختی [۵۹، ص ۶۳]، النوادر احمد بن ابراهیم انصاری [۵۹، ص ۸۴]، التادیب یا همان یوم و لیلۃ احمد بن عبدالله، معروف به ابن خانبه [۵۸، ص ۹۱]، المصابیح احمد بن حسن اسفراینی [۵۹، ص ۹۳]، الرجال محمد بن حسن مُحارَبی [۵۹، ص ۳۵۰]، «تفسیر أسماء الله [تعالی] و ما یدعی به» محمد بن جعفر بن بطة قمی [۵۹، ص ۳۷۳]، سبب تحسین و تمجید قُداً از آن‌ها بوده است. ابو جعفر احمد بن هلال عَبْرَتائی از جمله راویان محلّ بحث، در میان راویان شیعی است. ابن غضائری احادیث نقل شده به واسطه وی - جز آن دسته احادیثی که او از دو کتاب المشیخة حسن بن محبوب و نوادر محمد بن ابی عمیر روایت کرده است - را به دیده تردید نگریسته است. ظاهراً شهرت این دو کتاب و وجود روایت‌های دیگر از آن دو دلیل این دیدگاه ابن غضائری بوده است: «أحمدُ بنُ هلال، العَبْرَتائی، أبو جعفر. أرى التوقفَ فی حدیثه، إلا فی ما یرویه عن الحسن بن محبوب من کتاب المشیخة، و محمد بن ابی عمیر من نوادره و قد سمع هذین الکتابین جلة أصحاب الحدیث و اعتمده فیهما» [۲، ص ۱۱۱-۱۱۲].

سخن شیخ مفید در ارزیابی حدیث «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» نشانگر توجه متقدمان به این قرینه است. یکی از دلایل تشکیک وی در صدور این حدیث، نبود آن در کتاب‌های حدیثی مورد اعتماد است: «این حدیثی است که برای آن سندی متصل نمی‌شناسیم و آن را در اصول مورد اعتماد نیافتیم. و حدیثی که حکمش چنین است، استناد به آن و استدلال به مضمون آن صحیح نیست» [۵۵، ص ۹۴].^۱

گاه متقدمان ارزیابی‌های برخی محدثان بزرگ را که اعتماد به کتابی حدیثی داشته‌اند نیز مورد توجه قرار می‌دادند. تعابیری چون «علیه عَوَّلَ سَلَامَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ

۱. سخن شیخ مفید که این حدیث را بدون سند متصل دانسته است، جای شگفتی دارد زیرا در منابع حدیثی شیعه، این حدیث با سند متصل ذکر شده است [۲۷، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ ۲۸، ج ۱، ص ۲۱۶؛ ۲۹، ص ۳۵۰؛ ۴۷، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۳]. از میان محدثان اهل سنت، ترمذی [۶، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱، ح ۵۱۳۳] نیز این حدیث را غریب دانسته است.

الأرزنی» [۵۹، ص ۳۳۰]، «رأيتُ أبا العباس بن نوح قد عوّلَ عليه في كتابه أخبار الوكلاء» [۵۹، ص ۴۴۰] که از اعتماد محدثی خاص حکایت دارد، از این نمونه است. در مقابل، عدم اعتماد قدما به کتابی خاص و عبارتی مانند «لا يُعوّلُ علیها» [۵۹، ص ۴۱۶]، دید و قضاوت منفی آن‌ها به آن کتاب را نشان می‌دهد.^۱

توجه به این نکته نیز ضروری است که گاه اعتبار یک کتاب حدیثی مورد اختلاف قدما بوده است. کتاب سلیم بن قیس هلالی نمونه‌ای از این کتاب‌هاست. ظاهراً این کتاب مورد اعتماد شیخ صدوق بوده و مطالبی را از آن نقل کرده است. اعتماد شیخ صدوق بر این کتاب مورد انتقاد شیخ مفید قرار گرفته است: «آنچه ابوجعفر [صدوق] - خدایش بیامرزد - از حدیث سلیم استناد کرده که در آن به کتاب منسوب به وی به روایت ابان بن ابی عیاش رجوع کرده است معنای صحیحی دارد، اما این کتاب مورد اعتماد نیست و به بیشتر [مطالب] آن نمی‌توان عمل کرد» [۵۶، ص ۱۴۹].

ابن غضائری جز دو دسته از روایات حسن بن محمد بن یحیی علوی حسینی، همگی را نامعتبر می‌داند. دسته‌ای از آن، احادیثی است که وی از کتاب‌های جدش روایت کرده و در این روایت‌گری متفرد نبوده است بلکه دیگران نیز آن‌ها را روایت کرده‌اند. دسته‌ای دیگر، احادیثی است که وی از کتاب‌های مشهور علی بن احمد بن علی عقیقی نقل کرده است [۲، ص ۵۴] و این شهرت نشانگر اعتبار آن کتاب‌ها بوده است.

۳. نشانه‌های اعتبار منبع نزد قدما

انتقال مکتوب میراث حدیثی شیعه در طول سده‌های نخستین سبب شد تا این نگاه‌هاست‌های کوچک و بزرگ حدیثی، جایگاهی ویژه در سنت حدیث پژوهی متقدمان بیابند. بخش قابل توجهی از قراین قدما در اطمینان و وثوق به صدور حدیث مبتنی بر منبع مکتوب آن بوده است. به گفته میرداماد، اخذ حدیث از اصول حدیثی صحیح و معتمد یکی از پایه‌های اصلی تصحیح حدیث نزد قدما بوده است [۵۸، ص ۱۶۱]. شیخ حر عاملی در یک داوری مهم درباره این کتاب‌های معتمد می‌نویسد: «قد علم بالتتبع و النقل الصریح: أنهم ما كانوا یثبتون حدیثاً فی کتابٍ مُعتمدٍ حتّی

۱. می‌توان توصیف و مدح کتاب توسط بزرگان علم حدیث را هم قرینه‌ای بر اعتماد ایشان به کتاب دانست [۵۹، ص ۹۴، ۳۵۰، ۳۷۳].

يُثَبِّتَ عِنْدَهُمْ صَحَّةَ نَقْلِهِ، وَ قَدْ نَصَّوْا عَلَيَّ اسْتِثْنَاءَ أَحَادِيثٍ خَاصَّةٍ مِنْ بَعْضِ الْكُتُبِ وَ هُوَ قَرِينَةُ مَا قُلْنَا» [۱۰، ج ۳۰، ص ۲۴۴].

با واریسی و تحلیل دقیق آثار و منابع حدیثی باقی مانده از متقدمان، می‌توان قراین کتاب‌محورِ قدما در فرآیند اطمینان به صدور حدیث را به شرح زیر بیان کرد که همه آن‌ها راهی برای دستیابی به منبع معتبر و قابل اعتماد بوده است. افزون بر این موارد، تسمیۀ نگاشته‌های حدیثی با عناوینی چون کتاب، نسخه، جزء، تصنیف و اصل - که این عنوان معنایی خاص در مبانی حدیثی متقدمان داشته است - نیز دارای اهمیت است. همچنین به گفته شیخ انصاری، شواهد متعدد موجود بر آن دلالت دارد که چنین نبوده است که اصحاب [امامیه] هر حدیثی را از کتب حدیثی با وجود شناخت مؤلف آن روایت کنند، بلکه به سماع کتاب از مؤلف یا مشایخ خود نیز اهمیت فراوانی می‌دادند [۳، ج ۱، ص ۳۵۳].

۱.۳. عرضه کتاب بر امام و تأیید آن

چنانکه گذشت نگارش حدیث در عصر حضور امامان^(ع) مورد توجه شیعیان بود و تأکید ائمه^(ع) سبب تشدید این توجه می‌شد. در این زمان، نوشتارهای حدیثی فراوانی به وسیله شاگردان ائمه^(ع) فراهم شد که منبع آثار پسین، همچون کتاب‌های چهارگانه حدیثی قرار گرفتند.^۱ مسئله اعتبار این آثار در همان دوره‌ها سبب شد تا جامعه شیعه عصر

۱. در این باره نک: ۵، ص ۱۴۳-۱۴۵؛ ۵۳، ص ۱۹۴-۱۹۵، ۴۸۹-۴۹۱، ۵۰۶-۵۰۹. گفتنی است که سبستین گونتر در تحلیل کلی نوشتارهای اولیه، آنها را به سه گونه تقسیم کرده است: ۱. نگاشته‌های اولیه بدون تبویب (که این نگاشته‌ها غالباً در جلسات درسی از سوی شیخ به عنوان یاریگر حافظه یا شاگرد به عنوان یادداشت‌های درسی تهیه می‌شده است که گونتر از معادل لاتینی hypomnēmata برای این گونه نگاشته‌ها استفاده کرده است)؛ ۲. تنظیم و تبویب مجدد این آثار توسط مؤلف اصلی یا شاگرد وی یا شاگرد شاگرد (گونتر از این نوع نوشته‌های کهن با معادل لاتینی Verfasserwerke یاد کرده است)؛ ۳. گردآوری و تبویب آثار دو گونه پیشین در اثر جامع جدید (گونتر این نوع مکتوبات را معادل syngrammata در زبان لاتین دانسته است). نک: 64, p79, note 12; 64, pp197-199. همچنین شماری از پژوهشگران معاصر در نوشتارهایی کوشیده‌اند تا با تحلیل اسناد برخی آثار کهن حدیثی، منابع مکتوب آنها را معرفی نمایند. برای نمونه‌ای از این مقالات نک: ۱۶، ص ۵-۳۵؛ ۱۹، ص ۳۴-۵۸؛ ۲۱، ص ۱۸۷-۲۳۸؛ ۲۳، ص ۱۶۸-۲۲۴؛ ۳۹، ص ۱۳۶-۱۴۷؛ ۴۰، ج ۳، ص ۴۷-۷۶.

حضور، به ائمه^(ع) مراجعه کرده و با عرضه این نوشتارها، از صحت و اعتبار آنها پرسش نماید و در نهایت تأیید امامان^(ع)، اعتماد شیعیان به آن آثار را در پی داشت. از این رو یکی از قرینه‌های متقدمان در اطمینان به صدور حدیث، وجود آن در نوشته‌های مورد تأیید امامان^(ع) بود.

نکته حائز اهمیت درباره بیشتر این کتاب‌ها آن است که به گفته شیخ حر عاملی، بسیاری از روایان این کتاب‌ها در زمره روایان ضعیف و مجهول بوده و بسیاری از این کتاب‌ها مُرسَل اند: «وَمَنْ الْمَعْلُومِ - قَطْعاً - أَنْ الْكُتُبَ الَّتِي أَمَرُوا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهَا كَانَتْ كَثِيرًا مِنْ رَوَاتِهَا ضَعْفَاءَ وَ مَجَاهِيلًا وَ كَثِيرًا مِنْهَا مَرَّاسِيلٌ» [۱۰، ج ۳۰، ص ۲۴۴]. گزارش‌های متعددی درباره عرضه کتاب حدیثی بر ائمه^(ع) - افزون بر عرضه احادیث منفرد^۱ - و پرسش از اعتبار آنها وجود دارد. این عرضه و پرسش حتی آثار منسوب به امامان^(ع) را نیز شامل می‌شده است.^۲ برای نمونه، حسن بن علی بن فضال و یونس بن عبدالرحمن و حسن بن جهم، کتاب *الفرائض* امیرمؤمنان، علی^(ع)، را بر امام رضا^(ع) عرضه کردند و ایشان آن را صحیح دانسته، بر آن مهر تأیید زد [۴۷، ج ۷، ص ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۲۷؛ ج ۱۰، ص ۲۶۷، ۲۸۵، ۲۹۴].^۳ در روایتی دیگر آمده است که ابوعمرو مُتَطَبِّب (م. ۲۴۰ق) همان کتاب را بر امام صادق^(ع) عرضه کرد و آن حضرت^(ع) در پاسخ، انتساب آن به امام علی^(ع) را تأیید کرد [۴۷، ج ۷، ص ۳۳۰، ح ۲؛ ص ۳۶۲-۳۶۳، ح ۹؛ ۳۴، ج ۱۰، ص ۲۸۵].^۴ ظاهراً گزارش نجاشی که ابو عمرو طبیب، عبدالله بن سعید بن حیان

۱. برای عرضه احادیث منفرد بر امامان^(ع) نک: ۵۲، ص ۲۹-۵۴؛ ۵۳، ص ۱۲۰-۱۶۹.

۲. هر چند فرآیند عرضه کتاب‌های حدیث بر ائمه^(ع) جریانی ثابت و دائمی نبوده است، اما دست‌کم می‌توان شواهدی از توجه قدما به نمونه‌های محدود عرضه شده یافت که به نوبه خود از توجه آنها به این دست کتاب‌های حدیثی حکایت دارد.

۳. حائز اهمیت است که در برخی موارد امام رضا^(ع) صحت کتاب و نسخه‌ای حدیثی را مورد تردید قرار داده است. نک: ۱۵، ج ۵، ص ۱۳۰.

۴. بنا بر یک نظر، آنچه به عنوان *اصل ظریف* یا *کتاب فی الديات* شهرت دارد در واقع تألیف ظریف نبوده و همین کتاب امیرالمؤمنین^(ع) است [نک: ۳۸، ج ۳، ص ۲۰۷]. اسناد احادیث پیش‌گفته این نکته را تأیید می‌کند که کتاب *الفرائض* امیرالمؤمنین^(ع) در دوره‌های بعدی به عنوان *کتاب الديات* ظریف شناخته می‌شده است. درباره این کتاب نک: ۶۰، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۶. این کتاب که برای اهل تسنن نیز شناخته شده بوده [نک: ۵۱، ص ۳۶] با عنوان *کتاب الديات* ظریف بن ناصح در مجموعه *الأصول الستة عشر* [ص ۱۳۴-۱۴۸] چاپ شده است.

بن ابجر کنانی، کتاب *الدیات* خود را که در جامعه شیعه به کتاب عبدالله بن ابجر شهرت داشته، بر امام رضا^(ع) عرضه کرده است، همین کتاب باشد [۵۹، ص ۲۱۷]. تأیید انتساب محتوای کتاب به امیر مؤمنان^(ع) از سوی امامان بعدی سبب شد تا این نوشته حدیثی مورد اعتماد محدثان شیعی به ویژه صاحبان جوامع چهارگانه حدیثی قرار گرفته و محتویات آن در این جوامع نقل شود [۶۱، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۶].^۱

ابوحزوه ثمالی نیز از استنساخ نوشته‌ای در زهد مشتمل بر سخنی از امام سجاد^(ع) گزارش داده است که بر آن حضرت^(ع) عرضه کرد و امام^(ع) نیز صدور آن را تأیید فرمود [نک: ۴۷، ج ۸، ص ۱۷-۱۴]. ظاهراً متن کتاب سلیم بن قیس هلالی نیز بر امام سجاد^(ع) عرضه شده و مورد تأیید امام قرار گرفته است [۳۲، ج ۱، ص ۳۲۱]. این کتاب از منابع کلینی در *الکافی* بوده است [برای نقل‌های کلینی از کتاب سلیم بن قیس نک: ۴۷، ج ۱، ص ۴۴، ۴۶، ۶۲-۶۴، ۲۹۷، ۵۲۹، ۵۳۹، ج ۲، ص ۳۲۳، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۱۴، ج ۸، ص ۵۸-۶۳]. نمونه مهم برای پذیرش کتاب عرضه شده بر امام^(ع) در روش متقدمان، کتاب *قضایا امیر المؤمنین*^(ع) محمد بن قیس بجلي کوفی (م. ۱۵۱ق) از شاگردان صادقین^(ع) است که بر امام باقر^(ع) عرضه شد و صدور محتوای آن از امام علی^(ع) به تأیید امام باقر^(ع) رسید [۳۶، ص ۳۰۸-۳۰۹]. این کتاب ظاهراً همان کتاب *القضایا و السنن و الأحکام* عبیدالله بن ابی‌رافع بوده است [در این باره نک: ۱۷، ص ۱۱۱-۱۱۹].

برخی آثار تألیفی راویان و محدثان شیعی نیز بر امامان^(ع) عرضه شد و ایشان بر درستی و اعتبار آن‌ها صحه گذاشتند. برای مثال می‌توان به ارزیابی کتاب *الجامع عبیدالله بن علی بن ابی شعبة حلبی* از سوی امام صادق^(ع) و تأیید آن اشاره کرد [۳۶، ص ۳۰۵؛ ۵۹، ص ۲۳۱]. این کتاب فقهی چنانکه صدوق اشاره دارد بسیار معروف و در زمره کتاب‌های مرجع در بین امامیه بوده است [۳۰، ج ۱، ص ۳].^۲ این نوشتار حدیثی تا زمان‌های بعد باقی مانده و در دسترس عموم نیز بوده تا آنجا

۱. به گفته شیبیری [۲۴، ج ۲، ص ۳۴۵] نحوه اسناد کلینی نشان می‌دهد که به این کتاب دسترسی داشته و طرق متعدد خود را تا کتاب ذکر کرده است. برای نقل‌هایی از این کتاب نک: ۴۷، ج ۷، ص ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۶۲-۳۶۳؛ ۳۴، ج ۱۰، ص ۲۶۷، ۲۸۵، ۲۹۴. برای متن کامل کتاب *الفرائض* نک: ۳۰، ج ۴، ص ۷۵-۹۲؛ ۳۴، ج ۱۰، ص ۲۹۵-۳۰۸.

۲. به گفته محمد بن حسن بن ولید، استادش محمد بن حسن صفار بر این باور بود که تمام محتوای کتاب حلبی برگرفته از محمد بن ابی عمیر بوده است. نک: ۲۹، ص ۱۵۰.

که در اوایل سده پنجم یکی از منابع مهم در مسائل فقهی در میان امامیه بوده است [۲۰، ج ۱، ۲۷۹ و ج ۲، ۳۳۱]. این کتاب در اختیار سیدبن طاوس در سده هفتم نیز بوده است [نک: ۴۶، ص ۲۰۷]. گفتنی است که کتاب *الجامع حلبی* از جمله منابع کلینی در تألیف *الکافی* بوده است. یکی از پژوهشگران معاصر کوشیده است تا متن این کتاب را بر پایه نقل‌های کلینی از آن در کتاب *الکافی*، بازیابی کند. این نکته به خوبی نشان از تأکید قدا در استفاده از منابع معتبر و مورد تأیید ائمه^(ع) دارد [نک: ۱۹، ص ۳۴-۵۸].

نمونه دیگر، گزارشی از پرسش حماد بن عیسی از امام صادق^(ع) درباره عمل به کتاب *الصلوة* حرّیز بن عبدالله سجستانی است که همه آن را در حافظه داشته است. تجویز عمل به محتوای کتاب حرّیز [۴۷، ج ۳، ص ۳۱۱]^۱ بر درستی صدور احادیث آن دلالت دارد. پرسش اسماعیل بن فضل هاشمی از امام صادق^(ع) درباره متعه نمونه دیگر از این دست است که آن حضرت^(ع)، وی را به عبدالملک بن جریج ارجاع داد. اسماعیل نگاشته‌ای مشتمل بر احادیثی که عبدالملک برایش نقل کرده بود بر امام صادق^(ع) عرضه کرد که صدور آن احادیث به تأیید امام^(ع) رسید [۴۷، ج ۵، ص ۴۵۱].

چنانکه گذشت، محمد بن حسن بن ابی خالد مشهور به شنبوله یا شینوله - یکی از اشعریان قم - کتاب‌های روایی اصحاب صادقین^(ع) که بخش بزرگی از روایات اهل بیت^(ع) را دربردارد، بر امام جواد^(ع) عرضه کرده است. در پی تأیید درستی انتساب محتوای این کتاب‌ها به صادقین^(ع) از سوی امام جواد^(ع) [۴۷، ج ۱، ص ۵۳]، محمد بن حسن کتاب‌های متعددی را نقل می‌کند که نجاشی و شیخ طوسی مواردی از روایت این کتاب‌ها توسط او را گزارش کرده‌اند [۳۶، ص ۳۸، ۷۳، ۷۶، ۵۹، ص ۱۰۴ و ۱۷۴]. حسن بن عباس بن حرّیش نیز از عرضه کتابی حدیثی بر امام جواد^(ع) گزارش داده است [۳۱، ص ۲۴۲-۲۴۳، ج ۱۲].^۲ کتاب *یوم و لیلته* یونس بن عبدالرحمان نیز نمونه دیگری از این دست کتاب‌هاست. این کتاب بر امام جواد^(ع) و امام حسن عسکری^(ع) عرضه شده و از سوی این دو امام^(ع) مورد تأیید قرار گرفته است به گونه‌ای که امام عسکری^(ع) آن را دین

۱. برای نمونه‌هایی از نقل کلینی از احادیث کتاب حرّیز نک: ۴۷، ج ۳، ص ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲ و موارد دیگر.

۲. گفتنی است که از شواهد و دلایل متعددی چنین برمی‌آید که گزارش این عرضه نمی‌تواند درست باشد. در این باره نک: باقری، «حسن بن عباس بن حرّیش و کتاب *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ* وی: بررسی نمونه کتابی عرضه شده بر امام»، مجله حدیث پژوهی، در دست انتشار.

خود و پدرانش معرفی کرده است [۳۲، ۹۱۳، ۹۱۵، ۹۱۶، ۱۰۲۳؛ ۵۸، ص ۴۴۷].^۱
 نمونه دیگر، کتاب *یوم و لیلۃ فضل بن شاذان* است که به تأیید امام حسن عسکری^(ع)
 رسیده است [۳۲، ص ۸۱۸. نیز نک: همان، ص ۸۲۰].

گزارش تأیید کتاب‌های بنو فضال از سوی امام حسن عسکری^(ع) نیز بسیار حائز اهمیت است. بر پایه این گزارش، در سال‌های پایانی سده سوم هجری خانه‌های شیعیان از کتاب‌های یاران ائمه^(ع) انباشته بود، حال آنکه بسیاری از صاحبان این کتاب‌ها، گرایش‌های انحرافی همچون فطحیّه داشتند. این گزارش از شهرت و گسترش فراوان این کتاب‌ها حکایت دارد که درستی انتساب محتوای آنها به معصوم^(ع) مورد سؤال جامعه شیعه عصر امام^(ع) بوده است و امام^(ع) نیز با تأیید انتساب آن، شیعیان را به اخذ احادیث منقول در این کتاب‌ها ترغیب کرده است [۳۵، ص ۳۸۹-۳۹۰].^۲

ابومحمد حسن بن محمد بن وحناء نصیبی گزارش داده است که از امام عسکری^(ع) درخواست کتابی کردند که معیار عمل آنها قرار گیرد. امام^(ع) نیز در پاسخ کتاب *عمل یوم و لیلۃ ابو جعفر محمد بن احمد بن خانبه کرخی* را معرفی کرد [۵۹، ص ۳۴۶] که این معرفی از تأیید صدور محتوای آن کتاب حکایت دارد.

در واقع می‌توان گفت که بنیان روش ارزیابی حدیث بر اساس منبع و کتاب روایی آن، از عصر صدور حدیث و روزگار حضور امامان شیعه پی‌ریزی شده بود. عالمان متقدم نیز به کتاب‌های مورد تأیید امامان^(ع) توجه ویژه داشته و آن‌ها را تلقی به قبول کرده‌اند به طوری که در صورت احراز نقل روایتی از آن کتاب‌ها، آن روایت را صحیح قلمداد می‌کردند. گفتنی است که گزارش‌های متعدد کلینی از عرضه و تأیید کتاب‌های حدیثی اولیه که نمونه‌هایی از آن‌ها گذشت، حکایت از آن دارد که وی در صدد توثیق منابع خود بوده است. در سخن شیخ بهایی در توصیف روش ارزیابی حدیثی قدما نیز همین نکته - یعنی توجه به وجود حدیث در کتاب‌های عرضه شده بر امامان^(ع) به عنوان یکی از قرائن احراز صدور آن - اشاره شده است [۴، ص ۲۶۹].

۱. با توجه به تبخّر یونس بن عبدالرحمان در فقه که سبب شده بود تا امام رضا^(ع) شیعیان را برای یافتن پاسخ مسائل و احکام شرعی به او ارجاع دهد [نک: ۵۹، ص ۴۴۶]، می‌توان گفت محور موضوعی کتاب *یوم و لیلۃ وی مسائل و احادیث فقهی* بوده است.

۲. احادیث فراوانی در کتاب‌های چهارگانه حدیثی به نقل از روایان خاندان فضال آمده است که نشان از اعتماد مؤلفان کتب اربعه به کتاب‌های آنان دارد.

بر پایه شواهد مذکور، شهرت کتاب‌های حدیثی نشان می‌دهد که عالمان امامی متقدم صحت و مقبولیت این کتاب‌ها را پذیرفته بودند و به مفاد آن‌ها عمل می‌کردند. این ملاک و مبنا در عصر حاضر نیز در تصحیح احادیث قابل استفاده است اما مشکل فرارو، آن است که کتب پیش‌گفته امروزه وجود ندارند، ولی چنانکه در ادامه این پژوهش خواهد آمد، می‌توان این کتاب‌ها را بر اساس نقل‌های موجود در جوامع حدیثی بازیابی کرد و بدون توجه به ضعف راویان سلسله اسناد، آن‌ها را پذیرفت. محمدتقی مجلسی (م. ۱۰۷۰ ق) در *روضه المتقین* از این شیوه استفاده کرده و در مواردی با تشخیص اخذ حدیث از کتاب عبیدالله بن علی حلبی، آن حدیث را صحیح شمرده و پذیرفته است [۵۰، ج ۱، ص ۱۳۵، ۲۰۶، ۳۹۰، ۴۴۵، ج ۲، ص ۲۱۱، ۲۶۹، ج ۴، ص ۳۴۷، ج ۷، ص ۲۷۶].

۲.۳. مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی

براساس گزارش‌های موجود، عالمان و محدثان بزرگی همچون ابان بن تغلب [۱۰، ج ۲۷، ص ۱۴۰]، ابو بصیر اسدی [۱۰، ج ۲۷، ص ۱۴۲]، محمد بن مسلم [۳۲، ص ۳۸۳]، زرارة بن أعین [۳۲، ص ۳۴۷]، زکریا بن آدم قمی [۳۲، ص ۸۵۸]، یونس بن عبد الرحمن [۳۲، ص ۷۷۹]، معاذ بن مسلم نحوی [۱۰، ج ۲۷، ص ۱۴۸]، حارث بن مغیره بصری [۳۲، ص ۶۲۸]، عبد العظیم حسنی^(۴) [۶۲، ج ۱۷، ص ۳۲۱] و عثمان عمّری و پسرش محمد [۴۷، ج ۱، ص ۳۳۰] از سوی معصومان^(۵) به عنوان مرجع شیعیان معرفی شدند.^۱ با توجه به تأیید مرجعیت علمی این عالمان، بی‌تردید یکی از مصادیق مراجعه جامعه شیعه به شماری از ایشان، پرسش درباره درستی انتساب احادیث و محتوای کتاب‌های حدیثی موجود در جامعه، به امامان^(۶) بوده است.

عرضه میراث حدیثی شیعه بر نایبان خاص امام زمان^(عج) را نیز می‌توان از نمونه‌های روشن این قرینه برای اعتبارسنجی منابع مکتوب کهن حدیثی، نزد قدما برشمرد. کتاب *التکلیف ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی* معروف به ابن ابی العزّاقِر از جمله این مکتوبات حدیثی است. وی که پیش از گرایش به کفر و الحاد، از بزرگان امامیه در سده‌های سوم و چهارم بود [۵۹، ص ۳۷۸]، تألیفات متعدد حدیثی داشت که ظاهراً از میان همه آنها

۱. شیخ حر عاملی در *وسائل الشیعة* [۱۰، ج ۳۰، ص ۲۳۲-۲۳۷] فهرستی از این عالمان و محدثان را ارائه کرده است.

کتاب *التکلیف* از اهمیت و شهرت برخوردار بوده است.^۱ این کتاب به سبب آنکه وی آن را پس از تألیف بر حسین بن روح نوبختی عرضه کرد و حسین بن روح نیز درستی صدور احادیث آن را تأیید و به کتابت و استنساخ آن امر نمود در جامعه شیعه رواج یافت، چندانکه در تمام منازل شیعیان نسخه‌ای از آن وجود داشت [۳۵، ص ۳۸۹-۳۹۰]. پس از گرایش شلمغانی به الحاد،^۲ درستی عمل به کتاب *التکلیف* مورد تردید جامعه شیعه قرار گرفت. این تردید در قالب پرسشی از حسین بن روح نوبختی بازتاب یافته است. او نیز از آنجا که این کتاب در زمان استقامت شلمغانی نگاشته شده بود، پاسخ امام حسن عسکری^(ع) درباره کتاب‌های بنو فضال را در خصوص آن بازگو کرد [۳۵، ص ۳۹۰] و جز دو یا سه حدیث، درستی صدور تمام احادیث آن را تأیید کرد [همان، ص ۴۰۸-۴۰۹]. بدین‌سان در عصر شلمغانی و حتی پس از انحراف و تغییر عقیده وی، همچنان این کتاب محل اعتماد و مورد عمل شیعیان قرار گرفت. حتی در ادوار بعد و در عصر شریف مرتضی نیز کتاب *التکلیف* در شمار چند کتاب مهم مورد مراجعه شیعیان امامی بود و هم‌ردیف کتاب‌های حلبی و ابن بابویه به شمار می‌رفت؛ هرچند شریف مرتضی، ظاهراً به سبب عقاید انحرافی شلمغانی، عمل به کتاب او را توصیه نمی‌کرد و دو کتاب دیگر را بر کتاب وی ترجیح می‌داد [۲۰، ج ۱، ص ۲۷۹]. حائز اهمیت آنکه عالمان متقدم امامی این کتاب را به عالمان پس از خود اجازه می‌دادند و این به نوبه خود نشان از توجه و اعتماد ایشان به کتاب *التکلیف* است. یکی از فقیهان معاصر در بحثی پیرامون کتاب *التکلیف* می‌گوید: «شلمغانی قطعاً منحرف بوده و توقیع در لعن او صادر شده است، با وجود این، صدوق پدر که هفت سال پس از ثبوت قطعی انحراف او فوت کرده، این کتاب را از خود وی اجازه گرفته و اجازه آن را به فرزندش نیز داده است. صدوق

۱. نجاشی [۵۹، ص ۳۷۸-۳۷۹] چندین اثر را در زمره تألیفات شلمغانی فهرست کرده است که هیچ طریقی را برای هیچ کدام از آنها نقل نکرده است. عدم ذکر طریق از سوی نجاشی و بسنده کردن او به نقل قول کاتب قنایی در این باره، به خوبی گویای آن است که نجاشی هیچ یک از آثار شلمغانی را قبول نداشته و آنها را روایت نمی‌کرده است. اما طوسی [۳۶، ص ۴۱۴] از آثار شلمغانی تنها به کتاب *التکلیف* اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که شلمغانی این کتاب را در حال استقامت بر طریق حق و عدم انحراف تألیف کرده است. تأکید بر عدم انحراف شلمغانی به هنگام تألیف این کتاب و نام بردن از آن، از سویی گویای اهمیت این کتاب است و از سوی دیگر می‌تواند دلیل آن باشد که دیگر کتاب‌های شلمغانی حاوی مطالب غلوآمیز یا حتی الحادی بوده است.

۲. برای نمونه‌ای از دیدگاه‌های الحادی شلمغانی نک: ۳۵، ص ۴۰۴، ۴۰۵-۴۰۶، ۴۰۸، ش ۳۸۰.

پسر هم به شیخ مفید و او هم اجازه آن را به شیخ طوسی داده است و این به خاطر موقعیتی بوده که خود این کتاب در میان قمی‌ها داشته، نه به خاطر مؤلف آن زیرا در میان قدما اگر مطلب باطلی در کتاب بود، اصلاً آن را اجازه نمی‌دادند. مثلاً شیخ در مورد محمد بن اورمه می‌گوید: «لَهُ كِتَابٌ مِثْلُ كِتَابِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ فِي رِوَايَاتِهِ تَخْلِيصٌ. أَخْبَرَنَا بِجَمِيعِهَا إِلَّا مَا كَانَ فِيهَا مِنْ تَخْلِيصٍ أَوْ غُلُوٍّ ابْنِ أَبِي جَيْدٍ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِيَانَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ»^۱ [و از این رو آن‌ها] اصلاً حاضر نبودند اخبار دارای غلو و تخیلیت را داخل در اجازه کنند. اجازه در زمان قدیم... بحث اجتهادی بوده و این طور نبوده که یک کتاب را از اول تا آخر فقط بخوانند. اگر جایی را قبول نداشتند، آن بخش را اجازه نمی‌دادند. پس معلوم می‌شود کتاب /التکلیف هنوز در قم جایگاه خودش را داشته که صدوق پس از لعن مؤلف آن، آن را اجازه داده است»^۲.

محمد بن احمد بن داود قمی مجموعه‌ای مکتوب از سؤالات مردم قم و پاسخ آن‌ها را برای حسین بن روح نوبختی فرستاد و از او درباره درستی انتساب پاسخ‌ها به ناحیه مقدسه پرسش کرد؛ چه آنکه شلمغانی ادعا داشت که پاسخ‌ها از اوست. حسین بن روح پس از بررسی آن مجموعه، ادعای شلمغانی را مردود شمرد و همه پاسخ‌ها را از ناحیه مقدسه دانست [۳۵، ص ۳۷۳].

بنابر گزارش شیخ طوسی، حسین بن روح نوبختی - از نواب خاص - برای تعیین میزان صحت احادیث کتاب /التأدیب از محدثان قم پرسش کرده است. آنان نیز جز یک حدیث، درستی صدور همه احادیث آن را تأیید کردند [۳۵، ص ۳۹۱]. نمونه دیگر از این دست، گزارش ابن غضائری از عدم مقبولیت کتاب ابوالبختری، وهب بن وهب است. او که عامی مذهب و کذاب معرفی شده است، کتابی از احادیث امام صادق^(ع) فراهم آورده بود که به گفته ابن غضائری، همه احادیث آن قابل اعتماد نیست [۲، ص ۱۰۰].

۱. او کتبی مانند حسین بن سعید دارد ولی در روایاتش تخیلیت است. ابن ابی جید از طریق ابن ولید از حسین بن حسن بن ابان از محمد بن اورمه همه کتاب‌هایش را به جز آنهایی که در آن تخیلیت یا غلو بود به ما خبر داد.

۲. مددی، بحث کتاب /التکلیف شلمغانی، وبگاه دروس و آثار آیه الله سید احمد مددی: (۹ تیر ۱۳۹۳)

<http://dorous.ir/farsi/?p=203>

۳.۲. شهرت کتاب

نگاهی دقیق به آثار برجای مانده از قدما نشان از آن دارد که توجه به شهرت کتاب و روایت از جمله قراین مهم و قطعی در روش حدیثی ایشان و اعتماد به صدور احادیث بوده است.^۱ ظاهراً توصیه ائمه^(ع) به روایات مشهور و کنار نهادن احادیث شاذ در تقویت این توجه مؤثر بوده است.^۲ چنین به نظر می‌رسد که شهرت کتاب به معنای تداول آن در موضوع خود و مورد اعتماد بودن آن بوده است [نک: ۱۴، ص ۲۸-۳۰]. گزارش نجاشی از تردید در اعتماد به کتاب «دلائل خروج القائم^(ع) و ملاحم» حسن بن محمد بن احمد صفار بصری به دلیل عدم شهرت آن [۵۹، ص ۴۸]، به خوبی نقش شهرت کتاب در اعتماد به آن و به تبع بررسی صدور احادیث را روشن می‌کند. البته ناشناخته بودن و عدم شهرت کتاب نزد متقدمان همواره بی‌اعتباری احادیث آن را به همراه نداشته است اما دست‌کم، نشانه‌ای برای تردید در صدور احادیث آن تلقی می‌شده است.

از جمله عالمان متقدم که بر این مبنا تصریح کرده شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) است. وی شهرت منابع کتاب من لایحضره الفقیه خود را یکی از ویژگی‌های مهم اثر خویش برشمرده است [۳۰، ج ۱، ص ۳-۴].^۳ آنچه او بر آن تأکید دارد، اخذ احادیث از کتاب‌های مشهور مورد اعتمادی است که شهرت آن‌ها در اعتبارشان دخالت داشته است.

شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) نیز افزون بر آنکه موافقت حدیث با اجماع شیعه امامی را قرینه‌ای بر درستی مضمون آن برشمرده است، شرط پذیرش فتوای نامأنوس در جامعه شیعی را اتکای آن بر کتابی معروف یا اصلی مشهور و دارای راوی ثقه دانسته است. وی این روش را شیوه رایج عالمان امامی تا عصر خود معرفی کرده است: «من

۱. به نظر می‌رسد نشانه‌ای که شیخ حرعاملی برای اطمینان‌آوری صدور احادیث ذیل عنوان «کون الحدیث فی کتاب من کتب الأصول المجمع علیه» اشاره می‌کند [۱۰، ج ۳۰، ص ۲۴۴]، ناظر به همین مطلب باشد.

۲. نمونه‌ای از این توصیه را می‌توان در مقبوله عمر بن حنظله مشاهده کرد. [نک: ۴۷، ج ۱، ص ۶۷-۶۸].
 ۳. صاحب الحدائق الناضرة این عبارت صدوق را به قطعیت صدور احادیث کتاب‌ها تعبیر کرده است [به نقل از ۸، ج ۲، ص ۲۵۵]. با توجه به این عبارت، یکی از عالمان معاصر معتقد است هرگاه صدوق حدیثی را به شکل جزمی به معصوم^(ع) نسبت دهد، صدور آن از معصوم^(ع) را قطعی دانسته است [نک: ۵۷، ج ۱، ص ۴۶۳]. نیز نک: ۱۰، ج ۳۰، ص ۱۹۴]. آیت الله بروجردی نیز یادآور شده است که عدم ذکر سند در مشیخه من لایحضره الفقیه به دلیل فراموشی شیخ صدوق نبوده، بلکه به سبب شهرت کتاب‌ها و بی‌نیازی اثر وی از ذکر طریق بوده است. [نک: ۱۸، ص ۳۸۵].

جامعه شیعه را اینگونه یافتیم که بر عمل به اخبار منقول در تصنیفات و مدون در اصول، اجماع دارند و آن‌ها را انکار نکرده [و] در برابرشان موضع‌گیری نمی‌کنند به گونه‌ای که اگر کسی فتوایی دهد که برای شیعیان آشنا نیست، از او می‌پرسند که این را از کجا گرفته‌ای؟ اگر آن‌ها را به کتاب معروف یا اصل مشهوری که راوی‌اش ثقه است ارجاع دهد سخنش را انکار نمی‌کنند و ساکت و تسلیم می‌شوند و سخن او را قبول می‌کنند و این شیوه معمول و روش شیعه از زمان پیامبر^(ص) و بعد از وی در دوران ائمه^(ع) - به ویژه روزگار امام صادق^(ع) که علم بوسیله ایشان گسترش یافت و روایات فراوان از ایشان نقل شد- بوده است.» [۳۳، ج ۱، ص ۱۲۶].

از سوی دیگر هرچند شهرت درباره «مضمون حدیث» و «کتاب حدیثی» قابل تصور است اما با توجه به انتقال مکتوب میراث حدیثی شیعه، شهرت «کتاب» - چنانکه در شواهد پیش گفته این مسأله قابل مشاهده است - بیش از همه مورد توجه متقدمان امامی بوده است ضمن آنکه برخی کتاب‌های اولیه حدیثی در عصر مؤلف یا اندکی پس از آن نیز از شهرت برخوردار بودند. کتاب‌های حمّاد بن عیسی کوفی بصری، داود بن فرّقد کوفی، داود بن سرحان کوفی، عبدالله بن سنان کوفی و عبدالرحمن بن حجاج کوفی از آن جمله‌اند و از آن‌ها با عبارت «رواها جماعات من أصحابنا» یاد شده است [نک: به ترتیب: ۵۹، ص ۱۵۹، ۲۱۴، ۲۳۸]. دو کتاب المشیخة حسن بن محبوب و نوادر محمد بن ابی عمیر نیز مشهور و مورد اعتماد جامعه امامی عصر خود و دوره‌های بعدی بوده‌اند. تعبیر ابن غضائری [۲، ص ۱۱۲] درباره این دو کتاب پراهمیت و معنادار است: «وقد سمع هذين الكتابين جلة أصحاب الحديث واعتمده فيهما». درباره کتاب‌های حمّاد حائز اهمیت است که این آثار در عصر مؤلف شهرت داشتند و تا زمانی که نسخه‌های آن‌ها موجود بوده است، از سوی محدثان شیعه روایت می‌شدند [نک: ۵۹، ص ۴۴]. از جمله کتاب‌های مشهور اولیه که منابع مؤلفان کتاب‌های چهارگانه حدیثی نیز بوده است می‌توان کتاب‌های حرّیز بن عبدالله سجستانی، عبیدالله بن علی حلبی، علی بن مهزیار اهوازی، حسین بن سعید، نوادر احمد بن محمد بن عیسی، نوادر الحکمة محمد بن احمد اشعری و کتاب الرحمة سعد بن عبدالله را نام برد. شیخ صدوق [۳۰، ج ۱، ص ۳-۴] به استفاده از این کتاب‌ها به عنوان منبع کتاب من لا یحضره الفقیه تصریح دارد. کتاب القضاای محمد بن قیس بجلّی کوفی را نیز می‌توان به این فهرست افزود که به گونه‌ای خاص از منابع با واسطه کتاب‌های چهارگانه حدیثی بوده است. نجاشی [۵۹،

ص ۳۲۳] به شهرت این کتاب تصریح دارد. ظاهراً با توجه به عرضه کتاب *القضایا* و *السنن و الأحکام* عبیدالله بن ابی رافع - که مبنای کتاب محمد بن قیس بوده است - کتاب بجلی در عصر مؤلف نیز شهرت داشته است.

شواهد فراوان دیگری را در تأیید این موضوع می‌توان از لابلاهای فهرست‌های برجای مانده کهن به دست آورد. در این منابع گاه به شهرت کتاب/نوشته حدیثی تصریح شده است [برای نمونه نک: ۵۹، ص ۴۸، ۲۵۳] و گاه با تعبیرهایی همچون «یرویه عنه جماعة» [برای نمونه نک: ۵۹، ص ۲۰، ۷۱، ۷۲، ۹۸، ۱۱۵، ۱۳۰، ۱۳۴]، «یرویه عدة من أصحابنا» [برای نمونه نک: ۵۹، ص ۷۳، ۱۰۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۷]، «یرویه عدة كثيرة من أصحابنا» [۴۴۴، ص ۵۹]، «یرویه عنه جماعات من الناس» [۵۹، ص ۱۱۶]، «روی عنه... جماعات من أصحابنا» [۵۹، ص ۱۵۹]، «رواه عنه جماعة كثيرة من أصحابنا» [۵۹، ص ۴۱۱]، «أخبرنا عدة من أصحابنا» [برای نمونه نک: ۵۹، ص ۱۰۶، ۱۲۳، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۷۸، ۱۹۶]، «أخبرنا عدة من أصحابنا كثيرة بكتبه» [۵۹، ص ۶۴]، «حدثنا جماعة أصحابنا رحمهم الله عنه بكتبه» [۵۹، ص ۳۸۵]، «...بروایات كثيرة» [۵۹، ص ۵۴]، «طرقه كثيرة» [۵۹، ص ۱۲۷]، «الطرق إليه كثيرة» [۵۹، ص ۲۸۰]، «الرواة كثيرة عنه في هذه الكتب» [۵۹، ص ۲۸۰]، «لهذا الكتاب رواة كثيرة» [۵۹، ص ۳۵۹]، «یرویه عنه... و غیره» [۵۹، ص ۲۰، ۵۴، ۲۷۲]، «أخبرنا... من طرق مختلفة كثيرة» [۵۹، ص ۵۸]، «تختلف/ يختلف الروایات فيه» [۵۸، ص ۵۰] و «هی تختلف بحسب الرواة» [۵۹، ص ۲۸۲] به شهرت آنها اشاره شده است. در برخی موارد نیز بدون تصریح یا اشاره به شهرت کتاب حدیثی، چندین طریق متفاوت به آن، در فهرست‌ها ذکر شده است [برای نمونه نک: ۵۹، ص ۶-۷، ۱۷-۱۸، ۴۱-۴۲، ۱۳۲، ۱۸۳، ۲۵۰، ۲۸۳، ۴۲۸] که در مواردی نشانگر شهرت آن است. در یک پژوهش، بر پایه همین قراین و با استفاده از دو فهرست نجاشی و طوسی به ترتیب دویست و یک و صد و چهل و هفت کتاب حدیثی از کتاب‌های مشهور لیست شده است [نک: ۲۶، ص ۱۶۶-۱۷۸ و ۲۸۵-۳۰۴]. شماری از این نگاشته‌های کهن حدیثی جزو منابع مؤلفان کتاب‌های چهارگانه حدیثی بوده است. البته بررسی عوامل شهرت این گونه آثار حدیثی کهن، خود پژوهشی مصداقی و مفصل را می‌طلبد که از

۱. وحید بهبهانی [۶۳، ص ۷۳] نیز روایت زید نرسی از سوی گروهی از محدثان امامی را دال بر شهرت و معروفیت کتاب بلکه صحت آن دانسته است. به گفته نجاشی [۵۹، ص ۱۷۴] گروهی از امامیه این اصل را روایت کرده‌اند: «له کتاب، یرویه جماعة».

موضوع این پژوهش خارج است. اما در مواردی سبب این شهرت، قابل حدس و گمان است. برای نمونه، می‌توان گفت که احتمالاً عرضه کتاب عبیدالله بن علی حلبی بر امام صادق^(ع) و تأیید محتوای آن از سوی امام دلیل یا یکی از دلایل شهرت آن در جامعه شیعه امامی بوده است.^۱ تجویز عمل به محتوای کتاب *الصلاة* حرّیز از سوی امام صادق^(ع) در پاسخ به پرسش حماد بن عیسی درباره عمل به این کتاب [۴۷، ج ۳، ص ۳۱۱] نیز می‌تواند سبب شهرت این کتاب در جامعه شیعه امامی بوده باشد.^۲ آنگونه که از سخن شیخ طوسی پیداست [۳۳، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷]، وجود حدیث در نگاشته‌های متداول و شناخته شده میان شیعیان در چند سده نخست، از عصر امام صادق^(ع) تا دوره شیخ طوسی از جمله قرینه‌های صدور آن قلمداد می‌شده است. چنانکه گذشت، شیخ بهایی شهرت کتاب را آخرین قرینه از قرینه‌های متقدمان امامی در اطمینان ایشان به صدور احادیث برشمرده است [۴، ص ۲۶۹]. محمد تقی مجلسی [۵۰، ج ۱، ص ۲۹] نیز در *روضه المتّقین* ضمن تبیین روش شیخ صدوق در توجه و اعتماد به کتاب‌های مشهور حدیثی، شهرت کتاب را یکی از قراین قدما یاد کرده است. علامه شعرانی نیز در تعلیقات خود بر *شرح أصول الكافی* ملا صالح مازندرانی، نظریه اعتماد متقدمان امامی بر کتاب‌های مشهور را پذیرفته و در مواردی برای توثیق کتاب‌های حدیثی این نظریه را بکار برده است [۲۵، ص ۱۵۶ و ۱۶۴؛ ۴۷، ج ۲، ص ۱۶، پانوشت ۲].

گفتنی است طریق واحد نقل کتاب بر عدم شهرت آن در عصر تألیف و پس از آن دلالت دارد و عدم شهرت نیز از منظر متقدمان امامی، یکی از قراین ضعف تلقی می‌شده است. برای نمونه نجاشی هر چند ابو علی حسن بن محمد صفار را توثیق کرده است اما کتاب *دلائل خروج القائم^(ع)* و *ملاحم* او را به سبب عدم شهرت آن در جامعه شیعه امامی به نقد کشیده است [۵۹، ص ۴۸]. نمونه دیگر، کتاب *جحد بن مغیره طائی کوفی* است که تنها از یک طریق از مؤلف روایت شده است و بی تردید فساد مذهب او نیز یکی از قراین بی‌اعتنایی متقدمان به کتاب وی بوده است: «جحد بن المغیره، الطائی، الکوفی، یروی عن أبی عبدالله علیه السلام (وله عنه کتاب). کان خطّاباً فی مذهبه، ضعيفاً فی حدیثه. و کتابه لم یروَ إلا من طریق واحد» [۲، ص ۴۶].

۱. برای گزارشی از بازتاب کتاب عبیدالله حلبی در کتاب *الکافی* نک: ۱۹، ص ۳۴-۵۸.
۲. برای نمونه‌هایی از نقل کلینی از احادیث کتاب حرّیز نک: ۴۷، ج ۳، ص ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲ و موارد دیگر.

۴.۲. موافقت با کتب معیار

ارزیابی و ارزشگذاری کتاب‌ها بر پایه منابع معتبر و قابل اعتماد امری طبیعی و پذیرفته شده در تحقیقات علمی است. براساس گزارش‌های موجود، در نظام حدیث پژوهی متقدمان برخی کتاب‌های معتبر مانند کتاب‌های عرضه شده بر امامان، معیار و ملاک سنجش سایر کتاب‌های حدیثی اولیه تلقی می‌شده است. کتب سی‌گانه حسین بن سعید اهوازی نیز از جمله کتاب‌های معیار شیعیان بوده است. به گزارش گروهی از مشایخ قم، ابن ولید در بررسی محتوایی کتاب‌های محمد بن اُرمه، کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی را معیار سنجش قرار داده و به تصحیح و پذیرش بخش‌های مشترک کتاب‌های وی با کتاب‌های حسین بن سعید نظر داده است: «محمد بن اُرمه متهم به غلو است. پس همه آنچه در کتاب‌هایش هست اگر در کتب حسین بن سعید و دیگران باشد، مورد اعتماد است و به آن فتوا داده می‌شود و هرچه که محمد بن اُرمه متفرد به آن است عمل بدان جایز نیست و به آن، اعتماد نمی‌شود» [۳۶، ص ۴۰۷؛ ۵۹، ص ۳۲۹].

نمونه دیگر آنکه نجاشی درباره کتاب *التأدیب علی بن محمد بن شیره قاسانی* می‌گوید: «له کتاب التأدیب، وهو کتاب الصلاة، وهو یوافق کتاب ابن‌خانیه، وفیه زیادات فی الحج» [۵۹، ص ۲۵۵]؛ از آنجا که کتاب ابن‌خانیه به تأیید معصوم رسیده و صحت داشته [۵۹، ص ۳۴۶]، لذا معیار سنجش دیگر کتاب‌های حدیثی قرار گرفته است و موافقت محتوای کتاب *التأدیب* با محتویات کتاب ابن‌خانیه، صحت آن را می‌رساند.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در پژوهش حاضر به تفصیل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، مطالب زیر به دست می‌آید:

۱. فرآیند احراز صدور نزد محدثان متقدم امامی، بر اساس معیارهای متعدد و روش‌های پیچیده مبتنی بر قرآینی بوده است که اطمینان و وثوق به صدور آن‌ها را موجب می‌شده است. آگاهی‌های مربوط به منبع/نقد منبعی نیز نقش بسزایی در ارزیابی‌های این عالمان داشته است.

۲. مقصود از آگاهی‌های مربوط به منبع/نقد منبعی آن است که حدیث با عنایت به مأخذ و مصدری که از آن گرفته شده است مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در مکتب

محدثان متقدم امامی نقد منبعی بر چند گونه یا روش انجام یافته است. در گونه نخست، نقل حدیث در منبع معتبر دلیل اعتماد به صدور آن تلقی می‌شده است. ۳. مطالعه تحلیلی و نقد تاریخی گزارش‌های باقی مانده از متقدمان امامی، نشان از شواهد و نمونه‌های فراوانی دارد که ویژگی‌های خود منابع اولیه حدیثی - فارغ از مؤلفان و محتویات درونی آن‌ها - در اعتبار آنها نقشی مؤثر داشته است. ۴. مؤلفه‌های متعددی در اعتبار منابع اولیه حدیثی اثر داشته است که عرضه کتاب بر امام و تأیید آن، مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی، شهرت کتاب و موافقت با کتب معیار را می‌توان از مهمترین آن‌ها برشمرد.

کتابشناسی

- [۱]. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق). *مهج الدعوات ومنهج العبادات*، قم، دار الذخائر.
- [۲]. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰ش). *رجال ابن غضائری*، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث.
- [۳]. انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق). *فرائد الأصول*، قم، لجنة تراث الشيخ الأنصاری.
- [۴]. بهایی عاملی، محمد بن حسین (?). *مشرق الشمسین واکسیر السعادتین*، قم، مکتبه بصیرتی.
- [۵]. پهلوان، منصور (۱۳۸۲ش). *پژوهشی در زمینه کتاب کافی و مؤلف آن*، تهران، نبأ.
- [۶]. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق). *سنن الترمذی*، تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفکر.
- [۷]. جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۰ش). *معجم مصطلحات الرجال والدرایة*، قم، دارالحدیث.
- [۸]. حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۴۲۳ق). *رسائل فی درایة الحدیث*، قم، دار الحدیث.
- [۹]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ق). *الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، تحقیق: مشتاق المظفر، قم، دلیل ما.
- [۱۰]. _____ (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- [۱۱]. حسینی جلالی، محمد حسین (۱۳۷۹ش). «اصول اربعمأه»: بخش اول، ترجمه جویا جهانبخش، مجله حوزه/اصفهان، ش ۳، پاییز.
- [۱۲]. حسینی جلالی، محمد حسین (۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ش). «اصول اربعمأه»: بخش دوم، ترجمه جویا جهانبخش، مجله حوزه/اصفهان، ش ۴ و ۵، زمستان و بهار.

- [۱۳]. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة*، [بی‌جا]، چ پنجم.
- [۱۴]. داوری، مسلم (۱۴۲۶ق). *أصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق*، تقریر محمد علی صالح معلم، تحقیق: حسن عبودی، قم، مؤلف.
- [۱۵]. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق). *تاریخ الإسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الكتاب العربی.
- [۱۶]. رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۵ش). «بازیابی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق»، فصلنامه حدیث/اندیشه، دوره جدید، سال اول، ش ۱، بهار - تابستان.
- [۱۷]. _____ (۱۳۹۱ش). «عبیدالله بن ابی رافع و کتاب السنن و الأحکام و القضايا»، *مجله حدیث پژوهی*، ش ۷، بهار و تابستان.
- [۱۸]. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق). *کلیات فی علم الرجال*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چ سوم.
- [۱۹]. سرخه‌ای، احسان (۱۳۸۸ش). «کتاب حلبی: منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، فصلنامه علوم حدیث، سال چهاردهم، ش ۱ (پیاپی ۵۱)، بهار.
- [۲۰]. سید مرتضی (۱۴۰۵ق)، *رسائل الشریف المرتضی*، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: دار القرآن.
- [۲۱]. شبیری، سید محمد جواد (۱۴۱۹ق)، «الکاتب النعمانی و کتابه الغیبه»، *مجله علوم الحدیث*، السنة الثانية، العدد ۱ (المسلسل ۳)، محرم - جمادی الآخرة.
- [۲۲]. _____ (۱۳۸۳ش). «لزوم ارزیابی سندی احادیث کافی با استفاده از دروس حضرت آیت الله شبیری زنجانی»، *مجله سفینه*، ش ۲، بهار.
- [۲۳]. _____ (۱۴۲۰ق). «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه تهذیب الأحکام»، *مجله علوم الحدیث*، السنة الرابعة، العدد ۲ (المسلسل ۶)، رجب - ذو الحجة.
- [۲۴]. _____ (۱۴۲۹ق). *توضیح الأسناد المشکلة*، قم، دار الحدیث.
- [۲۵]. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۲ش). «رساله ای در علم درایة». *مجله نور علم*، دوره پنجم، شماره دوم و سوم، شماره ۵۰ و ۵۱، فروردین و تیر.
- [۲۶]. شهیدی، روح الله (۱۳۸۶ش). *فهرست نگاری رجالی در شیعه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدعلی مهدوی‌راد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، تیر.
- [۲۷]. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۸۵ق). *علل الشرائع*، تحقیق: سید محمد صادق بحر العلوم، النجف: المكتبة الحیدریة.
- [۲۸]. _____ (۱۴۰۴ق). *عیون أخبار الرضا*، تحقیق: حسین علم‌ی، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- [۲۹]. _____ (۱۳۷۹ق). *معانی الأخبار*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- [۳۰]. _____ (۱۴۰۴-۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ دوم.
- [۳۱]. صفار، محمد بن حسن بن فروخ (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، تحقیق: میرزا محسن کوجه‌باغی، طهران، منشورات الأعلمی.
- [۳۲]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *إختیار معرفة الرجال*، تحقیق: سید مهدی رجایی، مؤسسه آل البيت.
- [۳۳]. _____ (۱۴۱۷ق). *العدة فی أصول الفقه*، تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، قم، محقق.
- [۳۴]. _____ (۱۳۶۴ش). *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة*، تحقیق: سید حسن موسوی خرسان، طهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ سوم.
- [۳۵]. _____ (۴). *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- [۳۶]. _____ (۱۴۲۰ق). *فهرست کتب الشیعه و أصولهم*، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- [۳۷]. طهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ق). *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، بیروت: دار الأضواء، چاپ سوم.
- [۳۸]. عسکری، سید مرتضی (۱۴۱۰ق). *معالم المدرستین*، بیروت: مؤسسه النعمان.
- [۳۹]. عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۵ش). «درنگی در منابع مکتوب الإیضاح». فصلنامه علوم حدیث، سال ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۳۹)، بهار.
- [۴۰]. _____ (۱۳۸۷ش). «مسائل محمد بن مسلم در کافی کلینی»، مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الإسلام کلینی، قم: دار الحدیث.
- [۴۱]. _____ (۱۳۸۴ش). «نقد حدیث: کتابشناسی و متن پژوهی». *مجله علوم حدیث*، ش ۳۵ و ۳۶، بهار.
- [۴۲]. _____ (۱۳۸۸ش). *بازسازی متون کهن حدیث شیعه*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و قم: دار الحدیث.
- [۴۳]. فضلی، عبدالهادی (۱۴۱۶ق). *أصول الحدیث*، بیروت: مؤسسه ام القرى و التحقیق و النشر، چ دوم.
- [۴۴]. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*، اصفهان: مکتبه الإمام امیر المؤمنین علی (علیه السلام).
- [۴۵]. کلانتری، علی اکبر (۱۳۷۹ش). «اصول اربعمائه یا نخستین مرحله فقه شیعه». *مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)*، ش ۲۵ و ۲۶، پاییز و زمستان.
- [۴۶]. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱ش). *کتابخانه ابن طاووس*، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی،.

- [۴۷]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). *الکافی*، تحقیق، علی اکبر غفاری، طهران: دار الکتب الإسلامية، چ سوم.
- [۴۸]. مازندرانی، محمد صالح (؟)، *شرح أصول الکافی*، به همراه تعلیقه‌های میرزا ابوالحسن شعرانی، [بی جا].
- [۴۹]. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، چ دوم.
- [۵۰]. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق). *روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، تحقیق: سید حسین موسوی و علی پناه اشتهااردی، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانیپور.
- [۵۱]. مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۶۸ش). *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- [۵۲]. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۷۶ش). «عرضه حدیث بر امامان (علیهم السلام): قسمت اول»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۶، زمستان.
- [۵۳]. _____ (۱۳۷۷ش). «عرضه حدیث بر امامان (علیهم السلام): قسمت دوم». فصلنامه علوم حدیث، ش ۹، پاییز.
- [۵۴]. معارف، مجید (۱۳۷۴ش). *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح.
- [۵۵]. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق). *المسائل العکبریه*، تحقیق: علی اکبر الهی خراسانی، بیروت: دار المفید.
- [۵۶]. _____ (۱۴۱۴ق). *تصحیح اعتقادات الإمامیه*، تحقیق: حسین درگاهی، بیروت: دار المفید.
- [۵۷]. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸ق). *دراسات فی ولایة الفقیه وفقه الدولة الإسلامیه*، قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامیه.
- [۵۸]. میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۴۲۲ق). *الرواشح السماویة*، تحقیق: غلام حسین قیصریه‌ها و نعمت الله جلیلی، قم: دار الحدیث.
- [۵۹]. نجاشی، أحمد بن علی (۱۴۲۴ق). *فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر ب رجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ هفتم.
- [۶۰]. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۲۵ق). *الأعلام الهادیة الرفیعة فی إعتبار الكتب الأربعة المنیعة*، قم: دفتر نشر اسلامی.
- [۶۱]. نوری طبرسی، حسین (۱۴۱۵ق). *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، رجب.

[۶۲]. _____ (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

[۶۳]. وحید بهبهانی (۱۴۱۹ق). *الرسائل الفقهية*، قم، منشورات مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، محرم.

[64]. Günther, Sebastian (2005), *Asssing the Sources of Classical Arabic Compilations: The Issue of Categories and Methodologies* , *British Journal of Middle Eastern Studies*, Volume 32, No. 1.

[65]. _____ (1994), *Maq tl Literature in Medieval Islam* , *Journal of Arabic Literature*, 25: 3.

[66]. Kohlberg, Etan (1987), *AUsul al-arbaumia* , *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, v. 10.

